

معرفی کتب شهید آوینی

معرفی کتاب آینه جادو ج ۱ و ۲ و ۳:

این کتاب، ثمره‌ی تجربه‌ی ده سال مستندسازی آوینی است. اما آنچه این کتاب را از دیگر کتب سینمایی متمایز می‌سازد، نگاه فلسفی - عرفانی حاکم بر مباحث آن است. نگاهی که برای طرح آن، تنها داشتن تخصص سینمایی کافی نیست.

آینه‌ی جادو تنها کتابی است که در زمان حیات آوینی و با نظارت خود وی منتشر شده است. ماده‌ی اولیه‌ی مباحث کتاب، جزوه‌ای دانش‌گاهی بوده که برای یک ترم تدریس در مجتمع دانش‌گاهی هنر، توسط نگارنده فراهم شده بود که بعدها به صورت کنونی بسط پیدا کرد و در فاصله‌ی میان مهر ماه ۱۳۶۷ تا اردیبهشت ماه ۱۳۶۹ در فصل‌نامه‌ی سینمایی "فارابی" و ماه‌نامه‌ی "سوره" منتشر شد.

جلد اول از مجموعه سه جلدی «آینه جادو» مقالات نویسنده در طی سالهای ۶۷ تا ۶۹ را در بر می‌گیرد. تجربیات نویسنده در زمینه نویسندگی، کارگردانی و بالخصوص مونتاژ بوده است و خودش می‌گوید که کلمه به کلمه این حرفها را در پای میز «موویلا» تجربه کرده است. و البته برای نگاشتن مقالاتی اینچنین، فقط تجربه سینمایی نمی‌تواند کافی باشد. نگاه کتاب را از آن لحاظ که دارای هویتی فلسفی و مذهبی نیز هست می‌توان بدیع و بی سابقه دانست. عناوین بعضی از بخش‌های کتاب عبارتند از: جذابیت در سینما؛ مونتاژ به مثابه معماری سینما؛ آینه جادو؛ قاب تصویر و زبان سینما؛ جادوی پنهان و خلسه نارسبسی؛ زبان، تلویزیون و سینما، و اوقات فراغت؛ درباره ارتباطات؛ رمان، سینما و تلویزیون؛ تاملاتی در ماهیت سینما.

جلد دوم از مجموعه سه جلدی «آینه جادو»، نقدهای سینمایی شهید سید مرتضی آوینی را طی سالهای ۷۱-۱۳۶۸ در بر می‌گیرد. بخش عمده مقالات این کتاب به نقد و بررسی فیلم‌های ایرانی در طول پنج دوره جشنواره فیلم فجر ۷۱-۶۷ (جشنواره‌های هفتم تا یازدهم) و ارزیابی سیاستگذاری سینمای ایران در این سال‌ها اختصاص یافته. نویسنده در چند مورد به آثار سینماگران خارجی که در جشنواره فجر به نمایش درآمده و یا در ایران اکران عمومی گرفته‌اند نیز پرداخته است. عناوین بعضی از بخش‌ها عبارتند از: فرزندان انقلاب در برابر عرصه‌های تجربه نشده سینما؛ چرا جهان سومی‌ها «هامون» می‌سازند؟؛ ایمان یا نیهیلیسم هامونی؟؛ مضمون عشق در جشنواره نهم؛ سینمای ایران در (دهمین) جشنواره فجر؛ نامه‌ای به دوست زمان جنگ؛ هبوط به روایت آقای ویم وندرس؛ رقصنده با سرخپوستان؛ عالم هیچکاک.

در جلد سوم، سینما و مردم" عنوان اولین یادداشت این جلد است که به پیوندهای تاریخی سینما و مردم اشاره دارد و حفظ این ارتباط را شرط لازم حیات سینما می‌داند. به اعتقاد نگارنده، سینمای ایران، بعد از انقلاب، در بازسازی خویش چشم به سینمای آوانگارد اروپا داشته و به همین علت، نتوانسته است مردم را با خود همراه کند. این یادداشت در ویژه‌نامه سینمایی مجله سوره، سال ۱۳۷۰ به چاپ رسیده است.

"کدام سینما" یادداشتی است که سینمای مولف را مورد نقد قرار می‌دهد و از جمله پیامدهای منفی آن را تولید فیلمنامه‌های ضعیف می‌شمارد.

"سینما، مخاطب" شرح سخنرانی نگارنده در سمینار بررسی سینمای پس از انقلاب است که در اسفندماه سال ۱۳۷۰ و توسط دانشکده‌ی سینما- تئاتر برگزار شده است. آوینی در این فصل مجموعه مسائلی را که طی مدت فعالیت روزنامه‌نگاری خود در مجله‌ی سوره عنوان کرده بود، به شکل دیالکتیک مطرح کرده و در پایان نیز به سوالات مطرح شده توسط حاضرین در سمینار پاسخ گفته است. این یادداشت هم در ویژه‌نامه‌ی سینمایی سوره در سال ۱۳۷۱ به چاپ رسیده است.

"سینما هنر محض نیست"، با نقد سیستم آموزشی دانشگاه‌ها شروع می‌شود. نویسنده در این فصل به ضرورت ایجاد مباحثی با محور فلسفه‌ی سینما در دانشگاه‌ها اشاره دارد و آن را یکی از اصلی‌ترین مسائلی مطرح می‌کند که در شکل‌گیری سینما به عنوان منشاء تحولات فرهنگی موثر است.

"سینما، تکنولوژی" مصاحبه‌ی مجله‌ی فیلم با مرتضی آوینی است؛ که با محوریت ماهیت سینما و نحوه‌ی به کارگیری این صنعت گران، به عنوان هنری که دارای مولفه‌های ایرانی- اسلامی باشد، صورت گرفته است. این مصاحبه در نیمه‌ی اردیبهشت ماه ۱۳۷۱ در این مجله منتشر شده است.

در فصل "نگاهی دوباره به روایت فتح" طی مصاحبه‌ی "کتاب مقاومت" با سید مرتضی آوینی، چگونگی شکل‌گیری مجموعه‌های مستند روایت فتح و مسائل فنی آن مورد بررسی قرار گرفته است. این گفت و گو در تابستان ۱۳۷۰ صورت گرفته است و در شماره‌ی چهارم کتاب مقاومت استفاده شده است.

آنچه در یادداشت "واقعیت در سینمای مستند" مطرح شده تعریف واحدی از تعابیر "واقعیت و حقیقت" است. و در ادامه به تمهیداتی اشاره می‌کند که برای انعکاس واقعیت در مجموعه‌ی روایت فتح به کار بسته می‌شده است. این یادداشت در اسفند ۱۳۶۸ در مجله سوره درج شده است.

"جایگاه فیلم کوتاه در سینمای ایران"، مصاحبه‌ای کوتاه است که آوینی در آن به شاخصه‌ها و تفاوت‌های فیلم کوتاه در قیاس با فیلم بلند اشاره کرده است.

"درباره‌ی سینمای کودکان" هم یادداشتی است که در سوره‌ی دوره‌ی دوم، خرداد ۱۳۶۸ منتشر شده است.

معرفی کتاب فردایی دیگر:

فردایی دیگر مجموعه چند مقاله است که نویسنده پیش از سفر آسمانی‌اش، از میان آثار قلمی خود برگزیده و برای چاپ به انتشارات برگ سپرده بود. این کتاب برای اولین بار در سال ۱۳۷۳ به چاپ رسید و در سال‌های بعد نیز برای دومین و سومین بار تجدید چاپ شد. نشر ساقی چهارمین چاپ آن را در ادامه انتشار مجموعه آثار سیدمرتضی آوینی به انجام رسانده است.

این مقالات از آن حیث که نویسنده، خود، گلچین‌شان کرده حایز اهمیت‌اند. از لحاظ موضوعی نیز گرچه مقالات به ظاهر پراکنده می‌نمایند اما می‌توان آنها را در دو بخش دسته‌بندی کرد. بخش نخست، مجموعه سه مقاله است که به فهم و تفسیر عالم غربی در وجوه گوناگون آن پرداخته و بخش دوم، از چهار مقاله با موضوع شعر تشکیل شده است و در آن، عالم اشراقی و دینی که در این عرصه از ادبیات جلوه‌گر است، تبیین گردیده است و بخصوص بخش عمده آن به تأویل و تفسیر اشعار عرفانی امام خمینی^(ره) تعلق دارد.

مقالات بخش نخست کتاب عبارتند از: راز سرزمین آفتاب، فردایی دیگر / درباره ۱۹۸۴، دنیای متهور نو و آخرین دوران رنج / یادداشتی بر کتاب عبور از خط.

اما بخش دوم مجموعه چند مقاله است درباره شعر که عبارتند از: راز و رمز، غزال غزل، یاد بهشت و نوحه انسان در فراق، ختم ساغر.

معرفی کتاب رستاخیز جان:

از مجموعه آثار منتشر شده از آوینی، "رستاخیز جان" هفتمین است. این کتاب، همچون بیشتر کتب شهید، مجموعه‌ای است از مقالات گردآوری شده؛ البته با موضوعات هنر، ادبیات و فرهنگ. مقالات کتاب در چهار بخش دسته‌بندی شده است.

سه مقاله اول بخش نخست، در نسبت ادبیات با حقایق و وقایع بیرونی و وابستگی و تعهد به آنهاست (تعهد بدون هرگونه بار ارزشی). در مقاله بعدی، آوینی مطالبی را درباره تاجیکستان (که آن روزها تازه از قید حکومت کمونیستی رها شده بود)، تمدن ایران، نوروز و برخی آداب و سنن ایران نگاشته است. و آخرین مقاله این بخش پاسخی است به ژاژخایی شخصی درباره خط فارسی.

در بخش دوم، سه مقاله با موضوع فرهنگ و هویت گرد آمده که به جز مقاله آخری، نگاه تئوریک غالب است. این سه مقاله به نوعی تضادهای مبتلا در مباحث فرهنگی (چه در سطح نظری و چه در سطح مصداقی) را به طرح و بحث می‌گذارند.

و اما بخش سوم، سه‌گانه‌ای زیبا درباره ویدئو و ماهواره است. مطلب اول گفتگویی است نسبتاً مفصل با نشریه فارابی با عنوان "ویدئو در برابر رستاخیز تاریخی انسان" و مطالب بعدی مقالاتی است درباره ویدئو و ماهواره. به نظر می‌رسد خلاصه کلام سید مرتضی در این مطالب دو چیز است:

۱- بی‌خاصیتی و بی‌اثری روش‌های سلبی و منع‌محور، در مبارزه با تهاجم فرهنگی و دفاع از فرهنگ و ارزش‌های داخلی.

۲- توان بالقوه فرهنگ ایرانی اسلامی در دفاع از خود و مواجهه با تهاجم بیگانه، ضرورت فعال بودن به جای انفعال و استفاده از ظرفیت‌های داخلی.

البته در گفتگوی ذکر شده، شهید مباحث نظری جالبی را درباب فرهنگ، تفریح، اوقات فراغت و تفاوت ماهوی تلویزیون، سینما و ویدئو طرح می‌کند. آن موقع (یکی دوسال اول دهه ۷۰ شمسی) زمانی است که تازه ویدئو قانونی اعلام شده است و مباحثی همچون تهاجم فرهنگی تازه مطرح شده است. به گمان من این سه‌گانه جزء کاربردی‌ترین و ملموس‌ترین مباحث طرح شده در بین آثار آوینی است که خواندن آن نه تنها مفید، بلکه برای مدعیان "کار فرهنگی در سپهر فکری انقلاب اسلامی" از ضروریات ابتدایی است. گرچه مهم‌ترین مصداق ذکر شده (ویدئو) الان چندان موضوعیتی ندارد، اما ریشه بحث و نوع نگاه آوینی به موضوع بسیار ویژه و دقیق است. در همین گفتگوست که آوینی از کامپیوتر با عنوان "بت بزرگ" یاد می‌کند و آن را خطرناک‌تر از ویدئو برمی‌شمرد؛ البته نه از باب اخلاق ظاهری، که از باب حقیقت‌دین. و باز البته توصیه‌اش تسخیر این مظاهر تمدن تکنولوژیک است.

در بخش چهارم، مقاله‌ای با موضوع خطر مرگ تئاتر و انفصال آن از مردم آمده است و سپس مقاله‌ای از اولین شماره نشریه سوره در سال ۱۳۶۸، در تبیین پیام امام خمینی ^(قدس سره) به هنرمندان ذکر شده است.

دو بخش برگزیده از کتاب:

گفتم: "خدا را شکر که تکلیف ویدئو را هم روشن کردیم."

نگاهی از سر تعجب آمیخته با تمسخر کرد و پرسید: "شما روشن کردید؟"

پرسیدم: "مگر جز این است؟"

جواب داد: "بین دوست من! اگر هم این‌طور باشد که تو می‌گویی، هر چند من تردید دارم، اما باز

هم باید گفت که ویدئو تکلیف خودش را روشن کرده است."

از نگاهم دریافت که باید روشن‌تر حرف بزند. گفت: "این ویدئوست که تکلیف ما را روشن کرده است،

نه ما تکلیف ویدئو را. مگر ما می‌توانستیم تصمیم دیگری جز این اتخاذ کنیم؟"

پرسیدم: "مگر نمی‌توانستیم؟"

...

"رستاخیز جان"، مقاله "تکرار مکررات"، صفحه ۱۱۳

انفجار اطلاعات! نمی‌دانم چرا من از این تعبیر آنچنان که باید نمی‌ترسم و حتی چه بسا مثل کسی که دیگر صبرش تمام شده است از فکر اینکه جهان به سرنوشت محتوم این عصر نزدیک‌تر می‌شود خوشحال می‌شوم....

دهکده جهانی واقعیت پیدا خواهد کرد، چه بخواهیم و چه نخواهیم.

این همان دهکده‌ای است که در آن "بت‌من" و "ژوکر" با هم مبارزه می‌کنند. این همان دهکده‌ای است که در تلویزیون‌هایش دختران شش ساله را آموزش جنسی می‌دهند.... اما عجیب اینجاست که باز هم، این همان دهکده‌ای است که در زیر آسمانش بسیجیان رمل‌های فکه، زیسته‌اند، همان دهکده جهانی که در نیمه‌شب‌هایش ماه، هم بر کازینوهای "لاس‌وگاس" تابیده است و هم بر حسینیه "دوکوهه" و گورهایی که در آن بسیجیان از خوف خدا و عشق به او می‌گریسته‌اند. دنیای عجیبی است، نه؟

...

"رستاخیز جان"، مقاله "انفجار اطلاعات"، صفحه ۱۱۷ و ۱۲۰

معرفی کتاب فتح خون:

در میان کتابهای بسیاری که درباره واقعه عظیم کربلا نگاشته شده‌اند، اندک هستند کتابهایی که نویسندگان‌شان کوشیده‌اند علاوه بر ابراز شیفتگی و بیان عظمت واقعه و مظلومیت سیدالشهدا و یارانش، نقبی به حقیقت ماجرا بزنند و در حد توان خود، پرده از راز بزرگ کربلا بردارند. «فتح خون» سید مرتضی آوینی از این معدود کتابهاست.

متن کتاب، از دو پاره کلی تشکیل شده است. پاره اول که متن اصلی کتاب است، به شرح و بیان وقایع و توصیف ماجراهای پیش‌آمده از رجب سال ۶۰ تا محرم سال ۶۱ هجری می‌پردازد؛ و پاره دوم که از زبان «راوی» روایت می‌شود، تحلیل و رازگشایی همان وقایع و ماجراهاست و در واقع بخش برجسته کتاب نیز همین است.

راوی در «فتح خون» از موضع یک انسان عارف سخن می‌گوید که زمین را آینهٔ آسمان می‌بیند و به ظواهر کفایت نمی‌کند و می‌کوشد در مخاطبه با انسان امروز، او را از پوستهٔ واقعهٔ عاشورا فراتر برد و چشم باطنش را باز کند، تا بتواند عمق واقعه را دریابد.

یکی از مفاهیم مورد توجه نویسنده در این کتاب، فرازمانی و فرامکانی بودن عاشورا و کربلاست. آوینی از «اصحاب آخرالزمانی امام عشق» سخن می‌گوید و از این که هر انسانی کربلایی دارد و عاشورایی. او واقعهٔ عاشورا را نه فقط به مثابه یک اتفاق تاریخی، که به عنوان یک حقیقت کلی می‌بیند که می‌تواند برای هر انسان و در هر زمان و مکان تکرار شود.

عشق نیز از مفاهیم محوری «فتح خون» است. آوینی به تاسی از عرفای بزرگ، عشق را مدار و محور هستی می‌داند و امام را تجلی تام و تمام این عشق، عشقی که عقل نیز «اگر پیوند خویش را با چشمهٔ خورشید نبرد» آن را تصدیق می‌کند. در حقیقت الگوی شهید آوینی برای تفسیر و تحلیل واقعهٔ عاشورا، همین عشق آسمانی است.

شهید آوینی بخش اعظم «فتح خون» را در محرم سال ۱۳۶۶ به رشتهٔ تحریر درآورد و در سالهای بعد، آن را ویرایش و تکمیل کرد. اما فصل دهم کتاب که باید به وقایع ظهر عاشورا می‌پرداخت، ناتمام مانده‌است. گویی آوینی این فصل را در عمل و با شهادت خویش به پایان رسانده‌است.

فتح خون، در ده فصل روایت می‌شود: آغاز هجرت عظیم، کوفه، مناظرهٔ عقل و عشق، قافلهٔ عشق در سفر تاریخ، کربلا، ناشئهٔ الیل، فصل تمییز خبیث از طیّب (اتمام حجت)، غربال دهر، سیارهٔ رنج و تماشاگاه راز.

معرفی کتاب انفطار صورت:

«انفطار صورت» اثری است متفاوت از سید مرتضی آوینی که به بررسی جایگاه گرافیک و نقاشی در تحولات تاریخی دوران انقلاب اسلامی می‌پردازد.

کتاب از فهرست، نمایه و هفت مقاله تشکیل شده است و ناشر در ابتدای آن می‌گوید: «انفطار صورت» آخرین کتاب از مجموعه دوازده جلدی آثار شهید آوینی است که نشر ساقی برای اولین بار منتشر می‌کند. این کتاب مقالات نگارنده را درباره هنر گرافیک و نقاشی در بر می‌گیرد. مقالاتی که غالباً در طول سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱ در مجله «سوره» نگاشته شده است.

آوینی در این مجموعه مقالات نسبت بین انقلاب اسلامی و گرافیک و نقاشی را واکاویده است. او در این اثر به صراحت و تفصیل درباره تأثیر شگرف انقلاب اسلامی بر گرافیک‌های ایرانی سخن گفته است.»

عنوان مقالات چاپ شده در کتاب «گرافیک و تحولات تاریخی»، «گرافیک و انقلاب اسلامی»، «زبان گرافیک و سمبل‌هایش»، «جنگ در آینه مصفای نقاشی متعهد»، «انفطار صورت»، «نقاشی برای نقاشی» و «یادداشت‌های ناتمام» است. «یادداشت‌های ناتمام» به صورت کپی، از دست‌نوشته‌های شهید آوینی چاپ شده است.

معرفی کتاب نسیم حیات:

«نسیم حیات» کتاب دوازدهم از مجموعه آثار شهید سید مرتضی آوینی است. این کتاب، گفتار متن برنامه های تلویزیونی را در بر می‌گیرد که شهید بعد از رحلت حضرت امام، در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱ ساخته و یا صرفاً متن آنها را نوشته است. غالب نوشته‌های این مجموعه به تحولاتی می‌پردازد که با ظهور امام خمینی(ره) و گسترش انقلاب اسلامی ایران در جهان، گشایش افق تازه‌ای را در تاریخ بشر امروز بشارت می‌دهد. عناوین بعضی بخش‌ها عبارتند از: عاشورا در مهریز؛ سفر به سرزمین نور؛ حج جانبازان؛ انقلاب سنگ؛ سه نسل آواره؛ هفت قصه از بلوچستان؛ خنجر و شقایق.

معرفی کتاب گنجینه آسمانی :

«گنجینه آسمانی» عنوان مجموعه گفتار متن فیلم‌های روایت فتح می‌باشد که شهید سید مرتضی آوینی در آن سخن گفته است که توسط موسسه روایت فتح این گفتارها پیاده شده و به صورت یک کتاب درآمده است. بخش فیلم‌های مستند «روایت فتح» از تلویزیون در فروردین سال ۱۳۶۵ آغاز شد و تقریباً بدون وقفه تا پایان جنگ در سال ۱۳۶۷ ادامه یافت. در این مدت گروه روایت فتح پنج مجموعه (نزدیک به هفتاد برنامه تولید کرد. با اتمام جنگ وقفه‌ای دو سه ساله در کار گروه پیش آمد، اما بار دیگر در اواخر سال ۱۳۷۰، گروه روایت فتح تشکیل شد و شرایط را برای ساختن مجموعه‌های جدید فراهم کرد. کار تولید و پخش شش برنامه از اولین مجموعه با نام «شهری در آسمان» پایان یافته بود که راوی فتح، در جستجوی قتلگاه فکه، به شهادت رسید. کتاب حاضر، گفتار متن همه فیلم‌های روایت فتح را از اولین برنامه تا شهادت راوی فتح در بر می‌گیرد. گفتار متن مجموعه مستقل «با من سخن بگو دوکوهه» نیز در انتهای این کتاب گنجانده شده است.

معرفی کتاب توسعه و مبانی تمدن غرب:

این کتاب نوزده فصل دارد و موضوع اصلی آن بررسی مفهوم توسعه‌ی مبتنی بر مبانی معرفتی و تاریخی تمدن غرب است.

فصل‌های گوناگون این کتاب طی سال‌ها ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۶ به صورت سلسله مقالاتی با عنوان «تحقیقی مکتبی در باب توسعه و مبانی تمدن غرب» و به قلم آوینی، در ماهنامه‌ی جهاد چاپ می‌شد. این کتاب را انتشارات نشر ساقی، که انتشارمجموعه آثار شهید آوینی را برعهده دارد، منتشر کرده است.

موضوع اصلی این کتاب همان‌طور که از عنوان آن بر می‌آید تحقیق در معنای حقیقی توسعه است که این امر مبتنی بر مبانی معرفتی و تاریخی تمدن غرب مورد توجه قرار گرفته است. دغدغه مکتبی و اسلامی شهید آوینی و همچنین توجه جدی و فهم متعالی ایشان از آرمان‌های انقلاب اسلامی در کنار درک عمیق و همه‌جانبه ایشان از تمدن غربی و اهداف و مقاصد و تاریخ معرفتی آن باعث شده است که این کتاب مجموعه‌ای کم‌نظیر از نظریات بدیع و جالب توجه ایشان و همفکرانشان را دربر داشته باشد. مهمترین ویژگی محتوایی مطالب این کتاب آن است که خواننده با دقت در تعبیر و همراهی با سیر کلی مباحث ارائه شده، به نگاهی نو و دیدگاهی جدید نسبت به مسائل پیرامون خود از جمله توسعه و مباحث مختلف غرب‌شناسی رهنمون می‌گردد که در کمتر اثری، این چنین جامع و همراه با نگاه مکتبی و اسلامی، می‌توان چنین مطالبی را یافت.

معرفی کتاب حلزون‌های خانه به دوش:

کتاب «حلزون‌های خانه به دوش» دومین اثر از مجموعه آثار شهید آوینی است که طی سال‌های ۶۹-۱۳۶۸ در ماهنامه «سوره» منتشر شده است. مضامین مشترک این مقالات عبارت است از: معارضه جریان روشنفکری و به اصطلاح «دگراندیش» با انقلاب اسلامی، درحوزه فرهنگ، هنر و مطبوعات. مجموعه یاد شده قرار بود با عنوان «انقلاب اسلامی و اتوپیای غرب زدگان» انتشار یابد.

لحن شهید آوینی در مقالات کتاب حلزون‌های خانه به دوش کمی متفاوت است و کلمات و عبارات هم‌پیچیدگی برخی کتاب‌ها را ندارد. همین امر هم موجب شده است تا این کتاب یکی از پر مخاطب‌ترین آثار شهید باشد که البته در این امر نباید موضوع کتاب را نیز کم‌اثر دانست. نویسنده در این کتاب به جنگی تمام‌عیار با روشنفکران وادی فرهنگ و هنر برخاسته و با مقالات و یا جوابیه‌هایی که به برخی نوشته‌های آنها داده، این قشر را رسوا کرده است. شهید آوینی خودش می‌گوید: «من با زندگی به سبک و سیاق متظاهران و

روشنفکران آشنا نیستیم؟! خیر من از یک راه طی شده با شما حرف می‌زنم. من سالهای سال در یکی از دانشکده‌های هنری درس خوانده‌ام، به شبهای شعر و گالری‌های نقاشی رفته‌ام، موسیقی کلاسیک گوش داده‌ام. ساعت‌ها از وقتم را به مباحث بیهوده درباره چیزهایی که نمی‌دانستم، گذرانده‌ام. من هم سال‌ها با جلوه‌فروشی و تظاهر به دانایی زیسته‌ام. ریش پروفیسوری و سیبل نیچه‌ای گذاشته‌ام. پس عجیب نیست کسی که با ادا و اطوارهای روشنفکری آشناست و چم و خم رفتارهایشان را می‌شناسد، بتواند نقدی جانانه بر آنان داشته باشد. نقدهای شهید آوینی در این کتاب، به شدت خواندنی است؛ چرا که هنوز هم با همین مطالب می‌توان جواب روشنفکرها را داد و به ریش نداشته‌شان خندید!

معرفی آغازی بر یک پایان:

«آغازی بر یک پایان» کتاب ششم از مجموعه آثار شهید مرتضی آوینی است. این کتاب مجموعه‌ای از مقالات نگارنده است که بیش‌تر وجهی نظر اعتقادی و سیاسی او را نشان می‌دهد و در چهار بخش تنظیم شده است. بخش اول حاوی نوشته‌هایی در سوگ حضرت امام خمینی^(ره) و تبیین جایگاه ایشان در «تاریخ حیات باطنی انسان» است. بخش دوم مقالاتی درباره مبانی حکومت دینی و نظام ولایت فقیه، خصوصاً در تقابل سیاسی غالب در عالم متجدد و غربی را دربر می‌گیرد. بخش سوم کتاب، به فاجعه نسل‌کشی مسلمانان در بوسنی اختصاص دارد و تشکیل «امت متحد اسلامی» به مثابه راهی برای مواجهه با «سیطره نظم نوین و آمریکایی بر جهان» پیشنهاد شده است. و بالاخره در بخش چهارم و پایانی کتاب، نگارنده انقلاب اسلامی ایران را دلالتی تأویلی، بر سپهری شدن عصر تمدن غرب می‌داند و بشارت می‌دهد که تا «آن وضع موعود که انسان در انتظار اوست فاصله‌ای چندان باقی نمانده است.»

در این کتاب بنا بر روال گذشته، ویراستار محترم توضیحاتی در پای صفحات کتاب افزوده که با علامت «-» و «مشخص شده اند. نقل اقوال دیگران، در اغلب موارد با ماخذ اصلی تطبیق یافته و رسم‌الخط و نقطه‌گذاری و املائی کلمات، به همان صورت نخستین حفظ شده است. نمایه‌هایی هم برای استفاده علاقه‌مندان در پایان کتاب آمده است.